



# برای خواندن این تاریخ تنها لحظه‌ای درنگ کافی است

○ تاریخ روزنامه‌نگاری ایران  
○ نوشته شادروان دکتر محمداسماعیل رضوانی  
○ نشر برگ زیتون  
○ تهران، دیماه ۱۳۹۶



کتاب ماه کتابت / شهریور ۱۳۹۶

۳۹

○ **میر میر تقی‌زوی نسب**

رونامه بشارت متعلق به انجمن خدائستبدادی «معدلت رضوی»، وابسته به آستان قدس رضوی، در اواسط ماه شوال ۱۳۲۴ هـ. ق. در شهر مشهد منتشر شد. انتشار آن بدین صورت بود که روز پنجشنبه به چاپ می‌رسید و شنبه توزیع می‌شد. هر شماره این روزنامه در ۴ صفحه به قطع ۶/۵ در ۱۳ سانتی‌متر به چاپ می‌رسید. مدیر آن شیخ محمدعلی و دبیر و معاونش میرزا محمدباقرخان و میرزاعلی خان بودند. قیمت اشتراک آن در مشهد سالانه ۱۲ قران، ۶ ماهه ۸ قران، سایر بلاد ایران ۱۵ قران، روسیه و ترکستان ۹ قران، هندوچین ۲۴ قران و عثمانی و مصر ۲ تومان بوده است. مطابق آنچه در این کتاب آمده است، هرگونه خبر و وقایع سیاسی و منافع ملی و دولتی در این روزنامه به بحث

آنها یاد شده بشارت و خورشید است که به صورت هفتگی به چاپ می‌رسیدند. برکسی پنهان و پوشیده نیست که حیات واقعی مطبوعات ایران به دوران مشروطیت بازمی‌گردد، یکی از مشخصات جالب توجه این دوره که دکتر حمید مولانا در کتاب سیر ارتباطات اجتماعی از آن یاد کرده تساوی انتشار روزنامه‌ها در تهران و شهرستان‌های اصلی کشور است. روزنامه‌های بشارت و خورشید نیز از جمله روزنامه‌هایی بودند که در استان خراسان و در شهر مقدس مشهد، قبل از انقلاب مشروطه به چاپ می‌رسیدند. دکتر محمداسماعیل رضوانی در این کتاب، قدیمی‌ترین روزنامه منتشر شده در مشهد را روزنامه بشارت و مهمترین آنها را روزنامه خورشید می‌داند.

انجمن زنان پژوهشگر تاریخ چندی پیش کتابی به قطع جیبی در باب تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران منتشر کرد. این کتاب متن کامل سخنرانی شادروان دکتر محمداسماعیل رضوانی، محقق برجسته تاریخ معاصر ایران است که در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵ در برنامه فرهنگ ایران زمین ایراد کرد. اثر مزبور که به همت هما رضوانی به چاپ رسیده است، هدف گوینده یا به عبارتی نویسنده کتاب را معرفی روزنامه‌هایی می‌داند که «نقش مهم و تأثیر بسیاری در روشن نمودن افکار مشروطه‌خواهان و آزادی‌طلبان و نیز سعی در حفظ آرمانهای انقلابی و ادامه مسیر صحیح انقلاب مشروطیت داشتند؛ اما گمنام و ناشناخته باقی ماندند.» دو نشریه‌ای که در این کتاب کوچک از

گذارده می‌شد. اما محتویات روزنامه بیشتر درج مذاکرات انجمن «معدلت رضوی» است که در لایه‌لای این مذاکرات به نکات مهم تاریخی از جمله نحوه تفکر اعضای این انجمن اشاره شده است. از میان اخبار این روزنامه آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند اخبار مربوط به اصف‌الدوله، حکمران قوچان است. او کسی است که به جای مالیات، دختران قوچان را از پدران و مادران به زور می‌گرفت و به ترکمان‌ها می‌فروخت. از نکات مهم این وقایع درج تلگرافی بدین مضمون است: «از طزن به تهران، مجلس شورای ملی، حکومت قوچان و دره جیز، قریب هزار دختر به همراهی اصف‌الدوله فروخته‌اند. مقیم طزن، حاج عبدالله عسگرآف» از دیگر فعالیت‌های این روزنامه برای بالا بردن سطح آگاهی مردم ترجمه و درج مقالات مهم روزنامه‌های خارجی بوده است.

نگارنده کتاب حاضر با اظهار تأسف از، دست نیافتن به شماره‌های آغازین این روزنامه، می‌نویسد:

«آنچه در اختیار من است از شماره ۱۴ به بعد می‌باشد و چنانچه در کتاب مطبوعات و ادبیات ایران اودارد براون آورده شده ظاهراً انتشار آن تا سال ۱۳۲۶ پایان یافته است.»  
روزنامه دیگری که در این کتاب کوچک از آن نام برده شده روزنامه خورشید است. بنا به داشته‌های این کتاب، روزنامه خورشید در زمان خود بیش از هر روزنامه دیگری موردتوجه بوده و شماره اول آن نیز در ۲۱ محرم ۱۳۲۵ هـ. ق. چاپ و منتشر شده است. صاحب امتیاز این روزنامه، محمدصادق تبریزی بود که پیش از آن روزنامه ادب را در خراسان به سرپرستی ادیب‌الممالک فراهانی منتشر کرده بود. وجه اشتراک سالانه این روزنامه در مشهد ۱۸ قران، سایر بلاد ایران ۲ تومان، ترکستان و قفقاز ۵ منات، تمام بلاد خارجه ۱۲ فرانک بوده است. در سرلوحه این روزنامه می‌خوانیم: «این روزنامه در آنچه راجع به ترقی و تربیت ملت و

داشته‌های این کتاب  
مختصر است؛  
اما از آنجا که گفتار کوتاه  
در دنیای پرمشغله  
انسان‌های کنونی جایگاه خاص و  
جذابیت‌های ویژه‌ای دارد  
درخور توجه است.

منافع دولت باشد بحث می‌کند و هرگونه لایحه که منافی با دین و دولت نباشد، قبول و درج خواهد شد.» روزنامه خورشید از لحاظ کیفی با خط بسیار زیبا و چاپ و کاغذ خوب انتشار می‌یافت؛ چنانچه خاکشوی و ستون‌بندی مطلوبی در آن دیده می‌شود و جالب آن که نخستین یابورقی آن درج اصول قانون اساسی بوده است.

این روزنامه از حیث محتوا و مفهوم مطالب مانند دیگر روزنامه‌های محلی که از آغاز مشروطیت پدید آمد، پس از درج مقاله

بررسی پنهان و پوشیده نیست که  
حیات واقعی مطبوعات ایران  
به دوران مشروطیت بازمی‌گردد.  
یکی از مشخصات جالب توجه  
این دوره که دکتر حمید مولانا  
در کتاب سیر ارتباطات اجتماعی  
از آن یاد کرده تساوی انتشار  
روزنامه‌ها در تهران و  
شهرستان‌های اصلی  
کشور است

اساسی به اخبار شهری و حوادث نواحی مجاور می‌پرداخت. در این روزنامه نامه‌های مردم و نظلم‌خواهی آنان از دست حکام ظالم جایگاه ویژه‌ای داشت.

روزنامه خورشید تا زمان به توپ‌بستن مجلس منتشر می‌شد و ظاهراً آخرین شماره آن که قبل از به توپ بستن مجلس منتشر شده شماره ۱۳۹ است. این روزنامه پس از فتح تهران، توسط آزادیخواهان و با یک وقفه، مجدداً در ماه رجب سال ۱۳۲۷ انتشار یافت.

داشته‌های این کتاب مختصر است؛ اما از آنجا که گفتار کوتاه در دنیای پرمشغله انسان‌های کنونی جایگاه خاص و جذابیت‌های ویژه‌ای دارد درخور توجه است. کتاب با مقدمه‌ای کوتاه از هما رضوانی شروع شده و بقیه مطالب در یک بخش به طور کامل آمده است.

در پایان کتاب نیز پاره‌ای توضیحات با ذکر نام و مشخصات کامل منابع آورده شده است. اما به نظر می‌رسد، بهتر بود که متن کتاب در دو بخش از هم تفکیک می‌شد؛ به طوری که بخشی از آن به روزنامه بشارت و بخشی دیگر به روزنامه خورشید اختصاص پیدا می‌کرد. در این صورت خواننده بهتر می‌توانست مطالب موردنیاز درباره هر نشریه را در قسمتی جداگانه مطالعه کند. گذشته از بعد ساختاری کتاب، در محتوا و مضمون آن نیز شاید بهتر بود علل و تاریخ توقف تهاپی انتشار روزنامه خورشید آورده می‌شد. تا سوانجام این تاریخ کوچک به خواننده مکشوف می‌شد. شایان ذکر است که در صفحات کمی که بر دیدگان خواننده گشوده می‌شود علاوه بر درج کامل شناسنامه این روزنامه، بخش‌هایی از آن به اختصار آورده شده که راوی وقایع آن دوران است و بدین ترتیب محتوای کتاب حال و هوای خاصی از آن دوران را به تصویر کشانده است. ذکر این وقایع، سبک ویژه نگارش و ادبیات آن روزگار را نیز نمایان می‌سازد و از این لحاظ نیز درخور تأمل است.